

تأثیر شبکه های اجتماعی موبایل محور بر قدرت نرم جمهوری اسلامی (با تأکید بر، تلگرام، واتساپ و اینستاگرام)

بهر روز تقی محب^۱، رضا پریزاد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۴

چکیده: امروزه شبکه های اجتماعی دارای فرصت ها و تهدیدهایی هستند که تأثیر آنها در جامعه و مناسبات سیاسی انکار ناپذیر است، و حوزه قدرت نرم نیز از این تأثیر پذیری مستثنی نیست. با توجه به تحولات عرصه های سیاسی و انقلاب ارتباطات، اعمال قدرت نرم بیش از هر زمانی میسر شده و کشورها سعی دارند منافع و اهداف ملی خود در دیگر کشورها را از طریق اعمال قدرت نرم و تأثیرگذاری بر افکار عمومی و به واسطه آن، همراه ساختن توده های مردم با سیاستهای مورد نظر، تأمین کنند. قدرت نرم به مثابه یکی از ارکان سیاست بین الملل در عصر حاضر، جایگاه رفیعی یافته و علت این امر را می توان در کارآمدی، کم هزینه بودن و موفقیت بیشتر قدرت نرم نسبت به اشکال کلاسیک قدرت (قدرت سخت) جست و جو کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز همانند سایر واحدهای سیاسی، از این قاعده مستثنی نبوده و نیازمند بازشناسی، تقویت و کاربست قدرت نرم است، تا ضمن حفظ مصونیت خود از تهاجمات فرهنگی بیگانگان، قدرت ملی خویش را ارتقاء بخشد. این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش است که شبکه های اجتماعی موبایل محور با تأکید بر پیام رسان های؛ تلگرام، واتساپ و اینستاگرام چه تأثیری بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دارند؟ که حدس نگارنده در پاسخ به پرسش فوق بر این فرض استوار است که؛ شبکه های اجتماعی مبتنی بر تلفن همراه با نفوذ غیر مستقیم بر نگرش، علائق، روابط اجتماعی و سبک زندگی کاربران ایرانی از طریق ابزارهای فرهنگی یا ایدئولوژیک بر قدرت نرم جمهوری اسلامی تأثیر می گذارند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر شبکه های اجتماعی موبایل محور (با تأکید بر تلگرام، واتساپ و اینستاگرام) بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و همچنین شناخت شبکه های اجتماعی موبایل محور، ویژگی های آنها، قدرت نرم و چگونگی تأثیر گذاری شبکه های اجتماعی یاد شده بر قدرت نرم است، که

واژگان اصلی: قدرت نرم، شبکه اجتماعی، تلگرام، واتساپ، اینستاگرام.

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

۲. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) r_parizad@yahoo.com

مقدمه

در این برهه از تاریخ اینترنت بیش از تمام فناوری‌های دیگر در تمام جهان توانسته بر لایه‌های گوناگون زندگی اجتماعی بشر تأثیرات عمیقی بر جای نهد. برخی بر این امر معتقد هستند که تعامل بین افراد برای همیشه تغییر نموده و هرکس در هر جایی می‌تواند به راحتی با شخص یا اشخاص دیگری در هر مکان با هر بُعد از فاصله ارتباط برقرار نماید. در اینجا لازم است ابتدا مختصری در باب قدرت نرم نیز توضیحاتی داده شود. قدرت نرم برآیند تصویرسازی مثبت و ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، تأثیر گذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بر دیگران و مؤلفه‌هایی از این نوع است که در برابر مفهوم قدرت سخت یا قدرت نظامی قرار می‌گیرد و لازمه کسب و حفظ هژمونی قدرت نرم است. این عبارت طی سالهای ۱۹۹۰ میلادی در مقابل پیش‌گویی‌هایی مطرح شد که در این نظریه به این امر اعتقاد داشتند که با پایان جنگ سرد، هژمونی آمریکا در جهان پایان می‌گیرد. پاول کندی بر این امر اعتقاد داشت که در غیاب یک دشمن قدرتمند منافع و رفتارهای ایالات متحده در سطح جهان با بحران مشروعیت مواجه می‌شود، بنابراین هزینه - فایده اقدامات خارجی، برای آمریکا دیگر مقرون به صرفه نیست، اما در مقابل این نظریه جوزف نای معتقد بود که مفهوم قدرت در حال تغییر است و از قدرت سخت مبتنی بر عناصر مادی و عینی به سمت عناصر معنایی، تولید فرهنگی و قدرت جذابیت در حرکت است (احمدزاده، ۱۳۸۹: ۶۸).

جمهوری اسلامی ایران برای ارتقاء قدرت جهانی و منطقه‌ای خود نیازمند قدرت نرم می‌باشد که شناخت مولفه‌ها و منابع قدرت نرم ایران لازم است. با نرم‌افزاری شدن محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، توجه به ابعاد نرم‌افزاری قدرت و امنیت برای ایران نیز از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار بوده، بر این اساس ضروری می‌نماید جمهوری اسلامی ایران توانمندی‌های قدرت نرم خود را افزوده تا بتواند به تهدیدات موجود از سوی غرب پاسخ دهد (ابوالفتحی و نوری، ۱۳۹۲: ۹۰-۷۳).

بر همین اساس این پژوهش ابتدا به بررسی مبانی نظری تحقیق و مفهوم‌شناسی واژه‌های آن اشاره دارد که با توجه به توصیفی بودن موضوع، پژوهش حاضر مطالعه‌ای نظری است که روش تحقیق آن کیفی و نحوه جمع‌آوری داده‌ها در آن، غالباً کتابخانه‌ای یعنی استفاده از منابع مکتوب شامل کتب، مقالات و سایر اسناد و مدارک موجود از جمله سایت‌های اینترنتی است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش، توصیفی، تحلیلی است که پس از جمع‌آوری مفاهیم مربوط به شبکه‌های اجتماعی موبایل محور با تأکید بر تلگرام، واتس‌آپ و اینستاگرام و

حوزه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و مؤلفه های قدرت نرم، به بررسی نقش و تأثیر مثبت و منفی شبکه های اجتماعی موبایل محور بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای، از زمان شکل گیری انقلاب اسلامی تا به امروز در تحولات مهم منطقه ای و همچنین نظام بین الملل نقشی مهم داشته است. این مسأله باعث شده تا جمهوری اسلامی در طول بیش از ۴۲ سال عمر خود از قدرت نرمی قابل توجه برخوردار شود. از سوی دیگر پیشرفت روزافزون تکنولوژی های اینترنتی و شبکه های اجتماعی در جهان و به تبع آن در ایران و استقبال روزافزون کاربران ایرانی از شبکه های اجتماعی به ویژه شبکه هایی که به خاطر قرارگیری آسان بر بستر موبایل دسترسی سریع و استفاده راحت از آنها را برای کاربران به ارمغان داشته، سبب شده که کشورها و نظام های استعمارگر برای تأثیر بر فرهنگ، هویت و ارزش های سایر کشورهای هدف و استعمار آنها از طریق جنگ نرم و استحاله فرهنگی، از ابزارهای رسانه ای و شبکه های اجتماعی استفاده کنند. شبکه های اجتماعی علاوه بر محاسن زیاد زمین حاصلخیزی برای دستکاری ادراکات و باورها است. از اثرات بالقوه این شبکه ها می توان به کاربرد آنها در مختل کردن سیستم های فیزیکی و مهمتر از همه نفوذ در نگرش ها و رفتارهای خاص برای رسیدن به اهداف سیاسی یا نظامی اشاره کرد. راه هایی که شبکه های اجتماعی می توانند در مقابله علیه کشورها استفاده بشوند عبارتند از: جمع آوری اطلاعات، هدف یابی، خبرچینی، نفوذ و عملیات سایبری، این یعنی مسلح سازی شبکه های اجتماعی. (Reynolds, 2016:5)

در همین راستا، شناخت مهم ترین عرصه های نفوذ شبکه های اجتماعی بر قدرت نرم و همچنین شناخت نحوه تأثیر شبکه های اجتماعی موبایل محور با تأکید بر پیام رسان های تلگرام، واتس آپ و اینستاگرام بر قدرت نرم جمهوری اسلامی، بیانگر ضرورت انجام این تحقیق است که تدوین و نگارش پژوهش حاضر را تبیین می کند.

هدف پیش رو در این پژوهش بررسی تأثیر شبکه های اجتماعی موبایل محور (با تأکید بر تلگرام، واتس آپ و اینستاگرام) بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و همچنین شناخت شبکه های اجتماعی موبایل محور، ویژگی های آنها، قدرت نرم و چگونگی تأثیر گذاری شبکه های اجتماعی یاد شده بر قدرت نرم است.

پیشینه تحقیق

لطیفی مهر، میراسماعیلی و حسینی دانا (۱۳۹۳) در تحقیقی تحت عنوان "نقش و جایگاه شبکه های اجتماعی در جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران" به بررسی تغییر قابل ملاحظه نقش قدرت نرم سیاست خارجی امریکا در برابر ایران در دوره های مختلف می پردازد که نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین نقش شبکه های اجتماعی مجازی در جنگ نرم علیه کشورمان وجود دارد که البته کشورمان نیز در مقابله با این تهدید دارای ضعف است.

در تحقیق دیگری از عیوضی محمد رحیم و دامیار محمود و ایوب (۱۳۹۵)، تحت عنوان " مبانی جنگ نرم در اندیشه مقام معظم رهبری " معنا، مبنا، چیستی و چرایی جنگ نرم را در بیان و اندیشه رهبر معظم انقلاب مورد پرسش و پژوهش قرار داده و ابعاد مختلف موضوع را از منظر ایشان مورد واکاوی قرار می دهند، که حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در دو دهه اخیر، مهمترین راهبرد دشمن علیه جمهوری اسلامی را جنگ نرم معرفی کرده و آن را جنگ به وسیله ابزارهای فرهنگی و پیشرفته امروزی، به وسیله دروغ، نفوذ و شایعه پراکنی تعریف می نماید و هدف نهایی در جنگ نرم علیه یک ملت را، ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختارهای سیاسی آن جامعه و جایگزین کردن ساختارهای جدید می داند که با ایجاد تغییر در باورها، افکار و رفتارهای یک جامعه، به صورت طبیعی مدل رفتارهای حمایتی از ساختار سیاسی موجود، تغییر پیدا می کند و مدل های چالشی جایگزین آن می شود.

کاویانی ارشاد (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان " بررسی نقش شبکه های اجتماعی در جنگ نرم " با نگاهی به کارکردهای شبکه های اجتماعی نشان میدهد که در کنار نقش آموزشی و خبری و تفریحی و تبلیغی، نقش تهدید آمیز و جنگ طلبانه نیز به آن اضافه شده است و جنگ نرم، بهره برداری از این فناوری ها در جهت کسب منافع بیشتر صاحبان قدرت است که در گذشته با صف بندی نظامی این اقدامات انجام می شد، در حالی که سربازان جنگهای مدرن، کارگزاران رسانه ها و کارشناسان ارتباطی هستند. این پژوهش در صدد است تا برخی از معایب و تهدیدات موجود در شبکه های اجتماعی مجازی که به واسطه جنگ نرم، امنیت عمومی جامعه مخاطره می اندازد را شناسایی نماید و راهکارهایی را برای مقابله با جنگ نرم ارائه کند.

میراحمدی، نصرتی و امیراحمدی (۱۳۹۵) در تحقیقی از جنگ نرم، تحت عنوان راهبرد کنونی آمریکا و متحدان او در مقابله با جمهوری اسلامی ایران نام می برند که حوزه ها و ابزارهای مختلفی

دارد. یکی از ابزارهایی که نقش مهمی در پیشبرد پروژه جنگ نرم علیه ایران دارد، شبکه جهانی اینترنت است. در محیط اینترنت یکی از پدیده‌های مهمی که بسیاری از کاربران را جذب کرده است، شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون فیس‌بوک، توئیتر، یوتیوب، تلگرام، اینستاگرام و... هستند. این شبکه‌ها زمینه ارتباط چند جانبه افراد را با ابزارهای نوشتاری، صوتی و تصویری فراهم می‌کند که به تبع می‌تواند نقش مهمی در ترویج شاخص‌های جنگ نرم داشته باشد. این پژوهش با بیان اهمیت رسانه‌های نوین در جنگ نرم و مشخصات آن، شبکه‌های اجتماعی مجازی را به عنوان یکی از ابزارهای جنگ سایبری به تفصیل تبیین می‌نماید. و به بیان ماهیت و دسته‌بندی شبکه‌های اجتماعی مجازی، و همچنین تهدیدهای امنیتی این شبکه‌ها و راه‌های مقابله با آن پرداخته است.

ابراهیم نژاد و اسکندری پور (۱۳۹۱) در کتاب "آشنایی با جنگ نرم- جنگ سایبری" با اشاره به رواج شبکه اینترنت در سطح جهان و افزایش چشم‌گیر کاربران این شبکه و ناآگاهی آنان از میزان آسیب‌پذیری و بی‌دفاعی خود، در فصول این کتاب به تشریح مباحثی چون حملات تروریسم سایبری، ساخت‌های جنگ سایبری، ده‌رند جنگ اطلاعاتی، تروریسم و اینترنت، فریب در حملات سایبری و اصول اخلاقی جنگ سایبر می‌پردازد.

زیبا صفت (۱۳۹۲) مقاله‌ای با عنوان «نقش و تأثیر شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک، واتس‌آپ بر فرهنگ مردم بوشهر» انجام داده است که یافته‌ها و نتایج آن نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در کنار دستاوردها و کاربردهای انکارناپذیر و مثبتی که در همه زمینه‌ها دارد، نتایج نامطلوبی از جمله سلطه فرهنگی، انحراف‌های جنسی و غیره به همراه دارد که بایستی مورد توجه والدین، مسئولان تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزان فرهنگی استان بوشهر قرار بگیرد.

ژو و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «شبکه‌های اجتماعی؛ ارزش‌های فردی و اعتبار» به این نتیجه دست یافتند که شبکه‌های اجتماعی ممکن است دسترسی به دیگران با افکار و دیدگاه‌های مختلف را امکان‌پذیر کند و حتی دیگرانی که شبیه به هم هستند را به هم پیوند دهد؛ اما این شبکه می‌تواند تهدیدی برای ارزش‌های فردی افراد نیز محسوب شود.

سانتوس و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «القای فرهنگی شبکه‌های اجتماعی در جامعه» به تحلیل نمادهای فرهنگی در جامعه با استفاده از الگوسازی پرداخته‌اند. نتایج این بررسی نشان داده که فرهنگ به عنوان مقوله‌ای برتر به شدت تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی است و این مسئله در بیشتر نظریه‌های اجتماعی پیداست.

همانطور که در بررسی تحقیقات پیشین مشاهده می‌شود، بیشتر تمرکز و توجه بر تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر روی جنگ نرم بوده و به "قدرت نرم" کمتر پرداخته شده که در تحقیق پیش رو "قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران" به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و تلاش شده تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر قدرت نرم مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد، و از دیگر سوی تاکید این تحقیق بر تاثیر شبکه‌های اجتماعی موبایل محور با تاکید بر پیام رسان‌های تلگرام، واتساپ و اینستاگرام است، که از این دو مولفه به عنوان وجه تمایز این تحقیق از سایر تحقیقات گذشته می‌توان نام برد.

تعریف مفاهیم

۱- قدرت نرم

قدرت نرم واژه‌ای است که در نظریه روابط بین‌المللی به منظور توصیف قابلیت یک مجموعه سیاسی نظیر دولت برای نفوذ غیر مستقیم بر رفتار یا علائق سایر مجموعه‌های سیاسی از طریق ابزارهای فرهنگی یا ایدئولوژیکی به کار می‌رود و تئوریسین قدرت نرم، «جوزف نای» قدرت نرم را به عنوان بخش مهمی از منابع قدرت ملی تلقی کرده و بر ضرورت بهره‌گیری از آن در سیاست خارجی اصرار دارد (نوازی و عبادی، ۱۳۹۶: ۱۱۹-۱۰۱).

نای در باب قدرت نرم بیان می‌دارد که قدرت نرم عبارت است از: توانایی تغییر الویت دیگران تا همانگونه که ما انتظار داریم رفتار نمایند. بدین ترتیب قدرت نرم از آن کسانی است که بدون اینکه متوسل به زور شوند نتایج دلخواه خود را به دست آورند، چون هم سیاست‌ها و هم ارزش‌های آنان برای دیگران دارای جذابیت است. این چهره از قدرت در برابر رفتار تحکیم‌آمیز قدرت قرار می‌گیرد که می‌شود آن را جذب‌کنندگی قدرت نرم دانست (نای، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

هیچ سیاستی بدون بهره‌مندی از منابع قدرت نرم نمی‌تواند موفق و موثر باشد. فعال‌سازی منابع قدرت نرم برای تامین منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی مسئله‌ای ضروری است. (افتخار و جانی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۵)

قدرت نرم، ظاهری آرام و مخملی و باطنی استوار و آهنی دارد. به بیان دیگر، هرچند قدرت نرم بنا به برخی تقسیم‌بندی‌ها در زمره قدرت‌های نامحسوس جای می‌گیرد ولی از آنجا که هدف اصلی آن، جذب قلوب و اذهان است، دارای آثار بسیار عمیق تری از قدرت سخت است چرا که با نگاه، ارزش‌ها، فهم دیگران، تعریف خود و... طرف مقابل (مردم خودی یا ملت/ دولت دیگر) سرو

کار دارد(نوازنی و عبادی، ۱۳۹۶: ۱۱۹-۱۰۱).

- قدرت نرم فرهنگی در صورتی می تواند به عنوان فرهنگ غالب در کشورهای دیگر درآید که دارای شرایط زیر باشد:
- ۱) انعطاف پذیر باشد و قابلیت جذب عناصر فرهنگ های دیگر را دارا باشد.
 - ۲) داشتن اشاعه است که نشانه قدرت آن فرهنگ می باشد.
 - ۳) پویا بوده و براساس نیازهای افراد جامعه خویش رشد نماید.
 - ۴) دارای ارزش های پایداری بوده مانند؛ ارزش های زیبایی دوستی، دانش محوری.
 - ۵) تولیدات فرهنگی از جمله؛ فیلم های سینمایی، کتاب، روزنامه و...
 - ۶) دارای ارزش های جهانی بوده و بدین نحو مقبولیت بیشتری به دست می آورد.(نای، ۱۳۹۰: ۲۵).

۱- ۱ تهدید نرم

در مقابل قدرت نرم واژه تهدید نرم معرفی می شود که مفهوم آن را تحولاتی می دانند که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوی رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می شود.(وکی پدیا)

امروزه با گسترش وسایل ارتباط جمعی، جهان نیز کوچک تر شده و ارتباطات نزدیک تر شده است. در روابط میان کشورها در این عصر به جای استفاده از زور به صورت نظامی، حکومت ها به استفاده از قدرت نرم روی آورده اند. در این شیوه با ایجاد تغییرات از طریق مسالمت آمیز یا با بکارگیری شیوه های نوین مداخله در امور داخلی کشورها صورت می گیرد، بنابراین به تمامی اقداماتی که سبب شده که اهداف، ارزش های حیاتی و اصیل یک نظام سیاسی و امنیت ملی از لحاظ فرهنگی به خطر بیفتد یا اینکه در باورهای اساسی جامعه تغییرات اساسی ایجاد کنند، تهدید نرم گفته می شود(نائینی، ۱۳۸۸: ۲۷۸).

فازیو در باب تهدید نرم معتقد است که نوعی تلاش است که به صورت برنامه ریزی شده با بهره گیری از ابزارها و روش های تبلیغی، رسانه ای، سیاسی و روان شناختی، برای تأثیر گذاشتن بر حکومت ها، گروه ها و مردم کشورهای دیگر برای تغییر ارزش ها، نگرش ها، ارزش ها و رفتارهای آنها.(fazio, 2007: 19).

۲-۱ قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت حساس استراتژیک و ژئوپولیتیک خود ناگزیر است ضمن تقویت جنبه های مختلف قدرت سخت (توان نظامی و اقتصادی) به تقویت ابعاد قدرت نرم

نیز بپردازد. قدرت سخت براساس اندیشه‌های رئالیستی و رویکرد نظامی توجیه می‌شود از این رو قدرت سخت عبارت است از توان اجبار با توسل بر اقدامات، ابزار و تصمیمات آشکار و مستقیم است. اما امروزه قدرت نرم نیز از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار در سیاست خارجی کشورها به شمار می‌آید. امروزه با تحولاتی که در مفهوم شناسی قدرت ارائه شده می‌توان بیان داشت که توان اجبار به مثابه رکن اصلی قدرت در مکتب واقع‌گرایی مورد نقد جدی واقع شده و با تحلیل دیدگاه متفکران مشخص می‌شود که هنجارها و ارزشهای اجتماعی نسبت به ابزارها به مراتب مؤثرتر و تأثیرگذارتر در تولید قدرت عمل می‌کنند. (قربانی شیخ نشین و همکاران؛ ۱۳۹۰: ۱۵۰-۱۲۵)

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با قدرت نرم مطرح شده در غرب متفاوت بوده و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر پایه آموزه‌های قرآن و اسلام می‌باشد و نکته اساسی در قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران که بر پایه آموزه‌های اسلام بوده این است که خاستگاه و منشأ قدرت نرم حاکمیت خداوند می‌باشد (عیوضی، نوازی و علی محمدی، ۱۳۹۵: ۲۸-۱).

طبق مقاله "قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و جریان‌های سیاسی شیعه غرب آسیا" از نوازی، عیوضی و علی محمدی؛ منابع قدرت ایران در سه دسته فرهنگ، ارزش‌های اجتماعی و دیپلماسی تقسیم بندی می‌شوند که هر کدام از این دسته‌ها خود شامل زیر مجموعه‌هایی می‌باشند.

(۱) فرهنگ: فرهنگ اسلامی، فرهنگ ایرانی، فرهنگ متجذب از انقلاب اسلامی، فرهنگ عزت‌مداری، فرهنگ شهادت و انتظار، فرهنگ توحید و یکتا پرستی، فرهنگ اخلاق محور و فرهنگ دفاع مقدس.

(۲) ارزش‌های اجتماعی: مردم سالاری دینی، علم و فناوری، وحدت و اراده ملی، بسیج، عدالت و برابری، مرجعیت ولایت فقیه.

(۳) دیپلماسی: فعالیت‌های آموزشی و رسانه (عیوضی، نوازی و علی محمدی، ۱۳۹۵: ۲۸-۱).

۲- شبکه‌های اجتماعی

مفهوم شبکه اجتماعی اولین بار در سال ۱۹۴۰ در انسان‌شناسی توسط رادکلیف براون معرفی شد. سپس در اواسط دهه ۱۹۵۰ این مفهوم توسط بوت و بارنز مورد استفاده قرار گرفت (کوپر، ۱۹۸۹ به نقل از چلپی، ۱۳۷۳: ۱۰). شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توان گفت سایت‌هایی هستند که از یک سایت ساده مانند موتور جستجوگر با اضافه شدن امکاناتی مانند چت و ایمیل و امکانات دیگر خاصیت اشتراک‌گذاری را به کاربران خود ارائه میدهند (سلطانی فر، ۱۳۸۹: ۵۳).

شبکه اجتماعی، شبکه‌ای است که در آن انسان‌ها با یکدیگر به تعامل می‌پردازند. شبکه‌های

اجتماعی مجازی بر پایه مشارکت افراد در محیط آنلاین شکل می گیرند. شبکه های اجتماعی مجازی، نسل جدیدی از وبسایت های اینترنتی هستند که در این وبسایت ها کاربران اینترنتی حول محور مشترکی به صورت مجازی، دور یکدیگر جمع می شوند و جماعت های آنلاین را تشکیل می دهند. این شبکه ها وجوه اشتراک زیادی با یکدیگر دارند، از جمله اینکه فضاهایی هستند که در آنها افراد دوستان جدیدی پیدا می کنند و یا دوستان قدیمی خود را در جریان تغییرات زندگیشان قرار می دهند، مکانهایی برای تبادل نظر هستند که در آنها کاربران عقاید و نظرات خود را باهم به اشتراک می گذارند (صلواتیان و دولتخواه، ۱۳۹۶: ۶۶-۴۹).

وجه تمایز شبکه های اجتماعی مجازی از دیگر گروه ها این است که حکومت ها و ناظران دولتی نمی توانند کنترل چندانی بر این شبکه ها داشته باشند و سخت ترین مانعی که دولت ها می توانند ایجاد کنند، فیلتر کردن برخی سایت هاست (اشتریان، ۱۳۹۴: ۸۴۱-۸۲۵)

۱-۲- واتساپ

یک برنامه پیام رسانی فوری برای تلفن های هوشمند است. این برنامه توسط شرکت سهامی واتساپ ساخته شده است. واتساپ در سال ۲۰۱۳ در سراسر جهان ۴۵۰ میلیون کاربر داشته است؛ در تاریخ یک بهمن سال ۱۳۹۲ اعلام شد این برنامه ماهانه ۴۳۰ میلیون کاربری که حداقل در ماه یک بار از آن استفاده می کنند دارد و روزانه بیش از ۵۴ میلیارد پیام کوتاه در آن جابجا می شود که با توجه به این آمار موفق شد رکورد ارسال پیام کوتاه در روز در سطح جهان را بشکند. علاوه بر قابلیت فرستادن متن، کاربران می توانند فایل های عکس، صوت و ویدیوی خود را از طریق واتساپ ارسال نمایند (صلواتیان و دولتخواه، ۱۳۹۶: ۶۶-۴۹).

۲-۲- تلگرام

تلگرام یک سرویس پیام رسان متن باز چندسکویی است که کاربران آن امکان ارسال پیام، نگاره، ویدئو و همه گونه پرونده های خود ویرانگر و رمزنگاری شده را تا حجم ۱۰۵ گیگابایت دارند. این اپلیکیشن همچنین از امکان تماس صوتی و ساخت گروه و انجام گفتگوهای گروهی و ساخت کانال هم پشتیبانی به عمل می آورد. در اکتبر ۲۰۱۳ تلگرام روزانه صد هزار کاربر فعال داشت که در ۲۴ مارس ۲۰۱۴ این شمار به ۱۵ میلیون نفر و در ۱۳ فوریه سال ۲۰۲۰، تلگرام کاربران فعال خود را بیش از ۴۰۰ میلیون نفر اعلام کرد. در ایران نیز، برپایه نظرسنجی انجام شده از سوی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، تلگرام تا پیش از فیلتر شدن، محبوب ترین پیام رسان بود. به گونه ای که در

سال ۱۳۹۶، ۶۲٫۲ درصد ایرانیان عضو آن بوده‌اند و بر اساس تازه‌ترین آمار تعداد کاربران ایرانی این پیام‌رسان در سال ۱۳۹۹ به ۵۰ میلیون نفر رسیده است. (ویکی‌پدیا)

طبق نظر سنجی آمد نیوز و باشگاه خبرنگاران جوان تلگرام با هشتاد درصد پرکاربردترین شبکه اجتماعی در میان ایرانیان بوده است (مهدی زاده طالشی، خالدیان، فردوسی، ۱۳۹۶: ۳۹-۱).

۲-۳- اینستاگرام

اینستاگرام شبکه اجتماعی هم‌رسانی عکس و ویدئو بوده که این امکان را به کاربران خود داده که عکس‌ها و ویدئوهای خود را با دیگران به اشتراک گذارند. اینستاگرام یک نرم‌افزار مالکیتی بوده که برای آی او اس، اندروید و مایکروسافت ویندوز در دسترس می‌باشد. نخستین نسخه اینستاگرام در اکتبر ۲۰۱۰ فعالیت خود را شروع نمود. این سرویس به سرعت محبوبیت کسب نمود. در این شبکه اجتماعی بیشترین انگیزه کاربران استفاده از این پیام‌رسان برای به اشتراک گذاشتن عکس و ایجاد روابط با دوستان و آشنایان است و کمتر به این شبکه اجتماعی برای امور تجاری اعتماد می‌شود و در واقع از این شبکه اجتماعی بیشتر برای به اشتراک گذاشتن علائق خود استفاده می‌نمایند تا امور تجاری. (محمد امینی و خلعتبری، ۱۳۹۴).

هم‌اکنون اینستاگرام بیش از یک میلیارد نفر کاربر فعال در سراسر جهان دارد و روزانه بیش از ۵۰۰ میلیون نفر در این اپ فعال هستند، و در حال حاضر پس از تلگرام، دومین شبکه اجتماعی محبوب در ایران است از حدود سال ۲۰۱۲ محبوبیت خود را در ایران به دست آورد و رفته رفته به یکی از پرکاربردترین شبکه‌های اجتماعی بعد از تلگرام تبدیل شد، به طوری که هم‌اکنون بیش از ۴۰ میلیون کاربر ایرانی دارد. و این برنامه در بین صاحبان کسب و کار و بازاریاب‌های حرفه‌ای جایگاه ویژه‌ای دارد. (روزنامه خراسان ۹۹/۷/۱۶)

۲-۴- استقبال کاربران ایرانی از شبکه‌های اجتماعی

با بررسی مرکز پژوهشی «بتا» بر اساس داده‌های شبکه‌های اجتماعی، واتس‌آپ با ۵۰ میلیون کاربر فارسی ایرانی به شبکه اجتماعی و پیام‌رسان اول ایران تبدیل شده است و بعد از آن تلگرام با ۴۹ میلیون از نظر تعداد کاربر در سطح دوم و اینستاگرام با ۴۷ میلیون رتبه سوم را دارا هستند (خبرگزاری فارس آذر ۹۹)



نظریه امپریالیسم فرهنگی

از میان تئوری های مطرح در حوزه تاثیر رسانه های ارتباطی، نظریه " امپریالیسم فرهنگی" (Cultural Imperialism) تبیین و فهم پذیری بهتری در خصوص موضوع مورد بحث در پژوهش حاضر ارائه می کند.

هربرت شیلر در کتاب خود با نام "ارتباطات و سلطه فرهنگی"، مفهوم امپریالیسم فرهنگی را این گونه شرح می دهد: واژه امپریالیسم فرهنگی، نشان دهنده نوعی نفوذ اجتماعی است که از طریق آن، کشوری اساس تصورها، ارزش ها، دانسته ها و هنجارهای رفتاری و همچنین روش زندگی خود را به کشورهای دیگر تحمیل می کند. امپریالیسم فرهنگی از طریق ارتباطات، پدیده های اتفاقی و اضطراری نیست، بلکه برای کشورهای امپریالیستی که تلاش می کنند بدین وسیله تسلط اقتصادی و برتری سیاسی خود را بر دیگر ممالک برقرار و حفظ کنند، امری حیاتی است. (شیلر، ۱۳۷۵، ۳۰ و ۳۱)

به واقع امپریالیسم فرهنگی، ظریف ترین نوع سیاست امپریالیستی به شمار می آید که هدف آن، تصرف ارضی یا کنترل حیات اقتصادی نیست بلکه می کوشد تا در ذهن انسان نفوذ کرده، آن را به کنترل درآورد. یکی از ابزارهای مهم غرب برای رسیدن به این گونه از امپریالیسم، فضای مجازی است. (شیلر، ۱۳۷۵، ۱۰۵)

تئوری امپریالیسم فرهنگی به شیوه هایی اشاره دارد که انتقال برخی از محصولات و معانی فرهنگی از کشورهای فرادست به کشورهای فرودست به ایجاد الگوهای خاص تقاضا و مصرف می انجامد. این کار از طریق کنترل سخت افزارهای فنی، تخلیه افراد با استعداد از کشورهای کمتر توسعه یافته و کنترل نرم افزارهای ارتباطی و محتوا در قالب رسانه های جمعی ممکن می شود.

(Meye 2018: 116)

جیمز پتراس، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه ایالتی نیویورک، بینگه‌متن، معتقد است امریکا صدور کالاهای فرهنگی سرگرم‌کننده را سودآورترین صنعت خود کرده است، به گونه‌ای که این کالاها، رفته رفته، جای صدور مصنوعات کارخانه‌ای را می‌گیرد. غربی‌ها به وسیله امپریالیسم فرهنگی می‌خواهند امپریالیسم سیاسی و اقتصادی را حاکم گردانند. (پستمن، ۱۳۸۶، ۱۹۷)

به تعبیر جیمز پتراس، امپریالیسم فرهنگی امریکا دو هدف مهم دارد: اقتصادی و سیاسی. هدف اقتصادی آن تسخیر بازارها برای کالاهای فرهنگی، و هدف سیاسی آن برقراری سلطه از راه شکل دادن به افکار عمومی است. (توکلی خمینی، ۱۳۸۹، ۲۰۶)

به واقع می‌توان گفت که امپریالیسم فرهنگی، خواستار ایجاد بحران هویتی و پوچی در میان جوامع انسانی و اسلامی است تا از این طریق بتواند در خلاء ایجاد شده در سطح افکار عمومی جامعه بخصوص جوانان، هویت مورد نظر خود را جایگزین هویت اصلی جوامع کند. همچنین باید گفت که امپریالیسم فرهنگی، به ترویج شبهات و تخریب باورها و اعتقادات که پشتوانه مقاومت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در برابر زیاده‌خواهی‌های سلطه‌گران است و در زمینه سیاسی، به ایجاد اختلاف‌های داخلی، غفلت و سرگرم کردن آحاد مردم برای پرهیز از حق‌طلبی و مبارزه با استکبار و نیز استفاده از ترفند‌های دروغ، فریب، تحریف و سانسور واقعیت‌ها برای انحراف افکار عمومی می‌پردازد که هوشیاری در برابر این توطئه خطرناک، ضرورت دارد. (فلاطونی، فائزه، ۱۳۹۴: ۳۸)

یکی از مهم‌ترین زیرشاخه‌های امپریالیسم فرهنگی، امپریالیسم سایبری یا همان امپراطوری فضای مجازی یا فضای اینترنت است که می‌توان آن را استعمار مجازی یا امپریالیسم مجازی هم نامید. «مایکل بندیکت» نیز در تعریف خود می‌گوید: فضای سایبر یک جغرافیای ذهنی عام است که در مقابله با اجماع و انقلاب، اصول و تجربه ساخته می‌شود، قلمروی که مملو از داده‌ها، کذب‌ها، مواد ذهنی و خاطرات طبیعت، با یک میلیون صدا و دو میلیون چشم در یک هماهنگی ساکت و نامرئی نسبت به تحقیق، انجام معامله، سهم‌شدن در رؤیاهای و مشاهده ساده است. (تاجیک، ۱۳۸۴: ۶۱-۵۵)

«دیوید بل»، یکی از نظریه‌پردازان رسانه‌های مجازی، معتقد است تعریف فضای سایبر پیچیده است. وی سه تعریف همپوشان از فضای سایبر ارائه می‌کند: اول تعریف فضای سایبر از دیدگاه سخت‌افزار یعنی شبکه‌ای جهانی از رایانه‌ها که از طریق زیرساخت‌های ارتباطی به هم متصل شده‌اند و اشکال گوناگون تعامل میان کنش‌گران دور از هم را تسهیل می‌سازند. دوم: فضای سایبر را می‌توان به عنوان فضایی خیالی بین رایانه‌ها تعریف کرد که در آنجا افراد ممکن است خودهای

جدید و دنیاهای جدیدی بسازند. فضای سایبر مجموع سخت افزار و نرم افزار و همچنین مجموعه ای از تصویرها و ایده هاست. سوم: تعریف فضای سایبر بر مبنای ماهیت کاری آن به معنای بازنمایی کننده نوعی تلاقی میان عناصر مادی و نمادین است که بسته به نوع استفاده هر فرد، ارزش های متفاوتی را بروز می دهد. (دیوید، ۱۳۸۹: ۲۲)

امپریالیسم رسانه‌ای نوع دیگری از امپریالیسم فرهنگی است که آن را می‌توان روند واقعی تأثیرگذاری از طریق رسانه دانست که یک کشور از طریق آن، مجموعه عقاید، ارزش‌ها، دانش و هنجارهای رفتاری و سبک کلی زندگی خود را بر کشور دیگری تحمیل می‌کند. تولیدات رسانه‌ای تا اندازه زیادی بر تبادل ارزش‌ها و فرهنگ مؤثر هستند؛ چرا که آنها ارزش‌ها و روش‌های زندگی را نشان می‌دهند. روند کلی رسانه‌ها، تصریحاً و یا تلویحاً، انتقال پیام‌های ایدئولوژیکی همچون موضوعاتی از قبیل نحوه زندگی خوب، روح مصرف‌گرایی، نقش زنان و پذیرش مسئولیت وطن‌پرستی بی‌چون و چرا است. (pungete, 1989, 85)

آدام شاف با بیان پیامدهای سوء تکنولوژی ارتباطات و جامعه انفورماتیک، ماهیت توتالیتاریستی آن را به عنوان امپریالیسم رسانه، گوشزد می‌کند. او با یادآوری حصارهای شبکه‌های اطلاعات، در جامعه انفورماتیک ایجاد می‌کنند، هدف آن را تأثیرگذاری و دست‌کاری اذهان عمومی جامعه «شستشوی مغزی» به واسطه کاربرد اطلاعات دلخواه می‌داند که البته چنین غایت سلطه‌گرایانه‌ای، بسیار مخفی انجام می‌گیرد. وی تأثیر وسایل ارتباط جمعی را به عنوان پُرکاربردترین ابزار تکنیکی در زندگی روزمره اجتماعی مردم، بیان می‌کند و می‌نویسد: «وسایل ارتباط جمعی قادرند با مطرح کردن مداوم مضمون معینی، عقاید عمومی را به دلخواه خود هدایت کنند. در هر کشوری مشخص است که چه کسی یا نهادی مجاری اطلاعات را در اختیار خود دارد. این افراد یا ارکان نه تنها قادر به هدایت افکار عمومی هستند، بلکه همچنین می‌توانند در دراز مدت الگوی شخصیتی و خصلت اجتماعی انسانها را تعیین بخشند. این عمل می‌تواند به شکل فوق‌العاده زیرکانه‌ای انجام گیرد؛ به نحوی که مقاصد تبلیغاتی اطلاعات ارائه شده مستور بماند. در مقابل این نوع روش تأثیرگذاری، انسان حتی اگر مایل به مقاومت هم باشد، عملاً بلا دفاع است» (آدم‌شاف، ۱۳۶۹، ۱۷۸)

شبکه‌های اجتماعی و قدرت نرم

با توجه به برداشت‌هایی که از مفاهیم فوق بدست می‌آید باید اذعان داشت که با ظهور فضای مجازی و گسترش شبکه‌های اجتماعی، ظرفیت جدیدی برای سلطه بر جهان به وجود آمده که

امکان تاثیر گذاری بر قدرت نرم جوامع هدف را با استفاده از ابزارها و قابلیت های فضای مجازی بیش از گذشته فراهم می کند و شاید بتوان از آن به عنوان استعمار مجازی نام برد.

نفوذ فکری و فرهنگی یکی از اصلی ترین مصادیق نفوذ است و فضای مجازی و شبکه های اجتماعی بهترین بستر را برای تحقق چنین نفوذی در اختیار قرار می دهند. شبکه نفوذ با رصد کانال های تلگرامی و صفحات اینستاگرامی در حال سنجش ذائقه مردم و مهندسی فکری و فرهنگی افکار عمومی از طریق نفوذ در فضای مجازی است.

رهبر معظم انقلاب اهمیت فضای مجازی و ابزار رسانه ای را بسیار موثر بر می شمرد، و اظهار می دارد: «امروز مؤثرترین سلاح بین المللی علیه دشمنان و مخالفین، سلاح تبلیغات است؛ سلاح ارتباطات رسانه ای است. امروز این قوی ترین سلاح است و از بمب اتم هم بدتر و خطرناک تر است.» (بیانات آیت اله خامنه ای در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور ۸۸.۹.۴)

در جنگ نرم و محیط شبکه های اجتماعی، ارزش ها و باورهای اساسی که هویت فرد را می سازند، زیر سؤال رفته و اهمیت خود را از دست می دهند. بسیاری از متفکرانی که در مورد هویت مردم ایران سخن گفته اند، چند ارزش و باور را به عنوان شالوده اساسی هویت ایرانی مطرح کرده اند. ارزش هایی همچون علاقه و وابستگی به سرزمین ایران، زبان فارسی، دین اسلام و... از جمله مواردی است که بیشتر محققان، آن ها را شالوده هویت ایرانی می دانند. (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۵)

جنگ نرم نگرش و گرایش افراد را نسبت به سه نشانگاه نظام سیاسی، اعتقادات و ارزشهای فردی و اجتماعی مورد هجوم قرار می دهد و الگوی مورد نظر خود را در هر یک از این سه حوزه جایگزین می کند. طبق دیدگاه برخی از پژوهشگران، جنگ نرم برای تغییر در این سطوح، چهار عملیات انجام می دهد. این عملیات ها را می توان شاخص های جنگ نرم نیز دانست که این شاخص ها عبارتند از:

۱) مشروعیت زدایی ساختاری از نظام سیاسی؛ در فرایند جنگ نرم نیروهای خارجی تلاش می کنند تا تصویری از ساخت حکومت و قدرت به مردم معرفی کنند که سبب ایجاد جدایی و شکاف بین آنها با حکومت می شود و پذیرش حکومت توسط مردم را با چالش مواجه می کند. جنگ نرم در حوزه مشروعیت زدایی ساختاری از یک سو، معطوف به تخریب نظام سیاسی و از سوی دیگر معطوف به تغییر ادراک مردم نسبت به نظام سیاسی است.

۲) انسجام زدایی ساختاری از جامعه هدف؛ زمانی که یک جامعه در سطح مطلوبی از همبستگی و همگرایی اجتماعی قرار داشته باشد، آنگاه یک نظام سیاسی توان تبدیل همبستگی

اجتماعی به انسجام ساختاری را خواهد داشت. عاملان جنگ نرم تلاش می‌کنند لایه‌های جامعه را بر مبنای انگاره‌ها و دیدگاه‌های معارض با نظام سیاسی هدف به تحرک وادارند. در این وضعیت، انسجام اجتماعی به هم می‌ریزد و جامعه رو در روی نظام سیاسی قرار می‌گیرد.

۳) امنیتی سازی فضای سیاسی اجتماعی؛ در فرایند امنیتی سازی، عاملان جنگ نرم موضوعاتی را که چندان در حوزه امنیت تعریف نمی‌شود، امنیتی می‌کنند. نتیجه این کار، بی‌اعتمادی به نظام سیاسی و ایجاد شکاف بین مردم و نظام سیاسی در جامعه هدف است. امنیتی سازی فضای سیاسی اجتماعی، خود زمینه‌ای است که در نهایت به تخریب وجهه حاکمیت یعنی مشروعیت زدایی ساختاری و همچنین به از بین رفتن انسجام اجتماعی منجر می‌شود.

۴) هنجارسازی معارض در کشور هدف؛ هنجارسازی معارض به دنبال تغییر در مبانی فکری، ارزشی و نگرشی آحاد جامعه هدف به عنوان لایه‌های زیرین و بنیادین فرهنگ آن جامعه است. هدف نهایی در این رویکرد، تغییر هویتی است. با موفقیت این تغییر، رفتار افراد جامعه هدف نیز تغییر می‌کند و همان کاری را انجام می‌دهند که عاملان جنگ نرم به دنبال آن هستند. در نتیجه این رویکرد، هم انسجام و همبستگی اجتماعی و هم انسجام سیاسی اجتماعی از بین می‌رود. از طرف دیگر، به سبب تهدید هویت ملی در این حوزه، هویت‌های فروملی انسجام می‌یابند و چه‌بسا افزایش بیش از اندازه قدرت آنها، سبب تجزیه طلبی گردد. (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۲۰۹-۲۱۰)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به مسئله قدرت نرم اشاره شده است: قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمام مستضعفان بر مستکبران بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج از کشور فراهم می‌نماید، به خصوص در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحده جهانی را هموار سازد و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمام جهان قوام یابد. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

نظریه پردازان امریکایی معتقد به رویکرد جنگ نرم با جمهوری اسلامی، بر این باورند که هرگونه اقدام خشونت‌آمیز علیه ایران (به ویژه اقدام نظامی)، نفرت ایرانیان از امریکا و دولت آن را برای سالیان دراز ریشه‌دارتر خواهد کرد. استفاده از اقدام خشونت‌آمیز علیه ایران، امکان روی کار آمدن یک دولت هوادار امریکا را در این کشور با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهد کرد. افزون بر این، کاربرد نیروی نظامی علیه ایران، بی‌ثباتی و ناامنی را در خاورمیانه افزایش خواهد داد. این گروه

معتقدند ایران به علت برخورداری از پیشینه دموکراسی و وجود نهادهای مردم‌سالار و همچنین پتانسیل‌های موجود برای حرکت‌های مردمی و غیردولتی از استعداد بالایی برای تغییر نظام سیاسی به روش‌های غیرخشونت‌آمیز برخوردار است. در صورتی که عملیات جنگ نرم در براندازی جمهوری اسلامی به موفقیت برسد پیامدهای ناشی از روش‌های رویکرد تقابل‌گرا (جنگ سخت) را با خود همراه نخواهد داشت. (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۲۷)

نمونه‌های فراوان از کاربرد جنگ نرم در صفحات تاریخ به ویژه علیه انقلاب اسلامی در دو دهه اخیر وجود دارد. حمایت آشکار از صدهای مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران توسط بالاترین سطوح تصمیم‌گیری در آمریکا، مخدوش و بدنام کردن چهره جمهوری اسلامی در خارج از کشور از راه‌های گوناگون، تلاش برای مشروعیت‌بخشی، گسترش و توانمندسازی سازمان‌های غیردولتی حاضر در ایران که مخالف جمهوری اسلامی ایران هستند، دخالت گسترده در امور داخلی ایران در زمینه انتخابات، حقوق بشر، زنان، رسانه‌ها و مذاهب، تبلیغ و ترویج دوگانگی حاکمیت در ایران و فعال‌سازی و حمایت از شبکه‌های رسانه‌ای ضدایرانی بخش‌هایی از سند امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۰۶ است. (سند راهبرد امنیت ملی آمریکا، ۲۰۰۶: ۴۱)

تشکیل گروه‌های فکری و سیاسی در فضای مجازی، یکی از روش‌های فعالیت شبکه‌ای بر علیه جمهوری اسلامی بشمار می‌رود که در سال‌های اخیر و در مقاطع حساسی نظیر انتخابات بروز عینی یافته است. بخش اعظم گروهک‌های اپوزیسیون مقیم خارج به علت نبود هرگونه ابزار ارتباطی، برای برقراری رابطه با مردم ایران، از فضای مجازی به ویژه شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند.

ریشه‌یابی فتنه سال ۸۸ نشان می‌دهد که همه سرخ‌های این فتنه به شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر و فیس‌بوک می‌رسد. مصداق دیگر نفوذ و مهندسی فکری جامعه را می‌توان در انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری یازدهم و دوازدهم، ردیابی کرد. در این انتخابات‌ها نیز شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی به مثابه رسانه اپوزیسیون در سایه عمل کردند و هدایت جریان‌ات سیاسی را در دست گرفتند.

رهبر معظم انقلاب در تبیین اهداف دشمنان در زمینه جنگ نرم با اشاره به این نکته که "تحولات کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین در دام طراحی باندهای قدرت بین‌المللی افتاده است و طراح این‌ها صهیونیست و سرمایه‌داران بین‌المللی بوده‌اند"، به این مسأله می‌پردازد که هدف آنان این بوده است: «آن وقت اگر اقتضا می‌کرده است که اخلاق جنسی ملت‌ها را خراب

کنند، راحت می‌کردند؛ مصرف‌گرایی را در بین آن‌ها ترویج کنند، به راحتی این کار را انجام می‌دادند؛ بی‌اعتنایی به هویت‌های ملی و مبانی فرهنگی را در آن‌ها ترویج کنند، این کار را می‌کردند. این‌ها، اهداف کلان آن‌ها بوده است که تصویر می‌کردند. «تلاش آنان برای عملی شدن این اهداف نیز، تمسک به ابزارهایی است که امروزه فضای مجازی خوانده می‌شود: «از آن وقت همیشه لشکری هم از امکانات فرهنگی و رسانه‌ای و روزنامه‌های فراوان و مسائل گوناگون تبلیغات در مشت این‌ها بوده است... یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده‌اند. این، بسیار چیز خطرناکی است. البته حالا هم نیست؛ سال‌هاست که این اتفاق افتاده است. مجموعه زنجیره به هم پیوسته رسانه‌های گوناگون -که حالا اینترنت هم داخلش شده است و ماهواره‌ها و تلویزیون‌ها و رادیوها- در جهت مشخصی حرکت می‌کنند تا سررشته تحولات جوامع را به عهده بگیرند؛ حالا که دیگر خیلی هم آسان و رو راست شده است.» (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۸.۸۵۸)

بدین‌سازي مردم به نظام حاکم، تضعیف هویت ملی و القاء شبهات دینی همراه با دستور به نافرمانی مدنی در شبکه‌های اجتماعی از دیگر تهدیدهای قدرت نرم هستند که ضرورت دارد راهکار مناسب شناسایی، کنترل و مقابله با آن اتخاذ و چاره‌اندیشی شود، ضرورتی که رهبرانقلاب نیز در اهمیت آن فرمود: «فرماندهان این جبهه باید با شناخت مسائل کلان، شناسایی دشمن و کشف اهداف او، طراحی کلان انجام دهند و بر اساس این طراحی حرکت کنند.» (دیدار آیت‌الله خامنه‌ای با دانشجویان دانشگاه‌های یزد؛ ۱۳.۱۰.۸۶)

عدم شناخت ماهیت و کارکردهای رسانه‌های نوظهور مانند شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیر فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی برای جامعه ما داشته باشد. لذا شناخت این وسایل ارتباط جمعی، می‌تواند ما را از حالت منفعلانه، به یک وضعیت فعال و اثرگذار در داخل مرزها و حتی در میان کشورهای اسلامی و جهان مبدل سازد، به گونه‌ای که نه تنها اقدامات نظام سلطه را خنثی نمائیم، بلکه راهکاری به جهت انسجام جهان اسلام و اتحاد آزادی‌طلب‌های دنیا قرار دهیم.

شرایط و موقعیت جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که ضرورت‌های حیاتی، امنیتی و آینده‌نگری آن ایجاب می‌کند که به هر دو نوع قدرت سخت و نرم توجه کند. بدون تردید، اهداف و جهت‌گیری‌های نظام جمهوری اسلامی در پرتو جهان بینی توحیدی، ماهیتی فرهنگی، هویتی و عدالت‌خواهانه دارد. این طیف از اهداف با ایجاد ساختارهای نوین، آموزش موثر تعالیم دینی و گسترده‌تر کردن فرهنگ اسلامی موثر خواهد شد. شناخت مخاطبان چه در جهان اسلام و چه غیر

آن در انتقال فرهنگ اسلامی تنها با قدرت نرم، آموزش، تعامل و اثرگذاری‌های پایدار میسر خواهد بود (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۶).

نتیجه گیری

با توجه به مباحث فوق و پرسش تحقیق حاضر، که شبکه‌های اجتماعی موبایل محور چه نقش و تأثیری بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دارند؟ و فرضی که بر آن استوار شده که؛ شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر تلفن همراه با نفوذ غیر مستقیم برنگرش، علایق، روابط اجتماعی و سبک زندگی کاربران ایرانی از طریق ابزارهای فرهنگی یا ایدئولوژیک بر قدرت نرم جمهوری اسلامی تأثیر می‌گذارند، می‌توان نتیجه گرفت که شبکه‌های اجتماعی دارای کارکردی دوگانه و فرصت‌ها و تهدیداتی در برابر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می‌باشند که نقش مسئولین و متولیان و همچنین نوع سیاستگذاری‌ها می‌تواند موجب تقویت فرصت‌های این حوزه و در مقابل عدم توجه به این ابزارهای نوین و بی‌برنامگی می‌تواند موجب افزایش تهدیدات و آثار منفی و زیان بار شبکه‌های اجتماعی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی گردد.

در شرایط کنونی هدف اصلی دشمنان نظام جمهوری اسلامی در برنامه جنگ نرم علیه ایران، تخریب «ساختار جمهوری اسلامی و مقبولیت آن در بین مردم» است. دشمن تلاش می‌کند با انگاره‌های تهاجمی علیه ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، وجهه و اعتبار آن را نزد مردم تخریب و بین مردم و نظام، شکاف و جدایی اندازد، که در همین راستا با اشاعه مستقیم و غیر مستقیم مفاهیم و تصاویری در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با تأکید بر ترویج ادبیات اهانت آمیز علیه ارزش‌های اسلامی، برجسته‌سازی هویت باستانی در مقابل هویت دینی، ترویج قوم‌گرایی و تجزیه طلبی، توهین، تمسخر و حمله به نظام و مسئولان کشور، سعی در به تصویر کشیدن چهره‌ای ناکارآمد از نظام جمهوری اسلامی و تحت اشعاع قراردادن قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دارند.

نظام‌های سلطه به ویژه آمریکا در راستای تحقق سیاست شبکه‌سازی خود برای مقابله با حکومت‌های اسلامی خصوصاً نظام جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر هدف قراردادن فرهنگ و ارزش‌های توده مردم، به صورت ویژه بر اقشار خاصی متمرکز می‌شوند که آن جامعه هدف عبارتند از: جوانان، شخصیت‌های دانشگاهی و روشنفکران مسلمان لیبرال و سکولار، صاحب‌نظران مذهبی جوان و میان‌رو، فعالان اجتماعی، زنان فعال در مبارزات برابری جنسیتی، و روزنامه‌گاران و نویسندگان میانه‌رو.

در این برهه از زمان گسترش نفوذ شبکه های اجتماعی و دسیسه های متعدد دشمنان نظام جمهوری اسلامی در بکارگیری این شبکه ها برای دستیابی به اهداف شوم خود، شناسایی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی و تقویت و سازماندهی آنها می تواند براساس یک طرح جامع، تبدیل به یک فرصت پدافندی در برابر هجوم فرهنگی دشمنان طراح جنگ نرم شود، که با بررسی ظرفیت های موجود نظام سیاسی و اجتماعی ایران، شاید بتوانیم «فرهنگ ایرانی؛ اسلامی»، «ایدئولوژی اسلامی»، «ارزش های اجتماعی و انقلابی»، «نفوذ و سیطره سیاسی و جغرافیایی منطقه ای و فرامنطقه ای ایران»، «قدرت پیش بینی و تأثیر رهبر ایران بر معادلات منطقه ای و جهانی»، «حماسه آفرینی ها» و «درجه بالای وفاداری ملت به حکومت» را به عنوان بخشی از منابع قدرت نرم ایران برشمريم.

جمهوری اسلامی ایران می تواند با برنامه ریزی و سیاستگذاری صحیح، آثار منفی و تهدیدات شبکه های اجتماعی را بر قدرت نرم خود تبدیل به فرصت نموده، و با بهره مندی از ظرفیت های موجود نظام اجتماعی و سیاسی ایران و شناسایی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی و تقویت و سازماندهی آنها می تواند براساس یک طرح جامع، تبدیل به یک فرصت پدافندی در برابر هجوم فرهنگی دشمنان طراح جنگ نرم شود.

بر این اساس باید نظارت کافی بر فضای مجازی و شبکه های اجتماعی، محدود ساختن آنها بر اساس شاخص های فرهنگی و رویکرد امنیتی داخلی تعیین و با جدیت اعمال شود. در این باره، تأکید بر حفظ و تقویت هویت ایرانی-اسلامی، ایجاد روحیه امید در جامعه، ایجاد زمینه وحدت و تلفیق خرده فرهنگ ها و ترمیم شکاف های قومی و مذهبی، اثبات کارآمدی نظام اسلامی و اطلاع رسانی موثر خدمات نظام، تصویب و اجرای قانون مقابله با جرایم سایبر و تلفن همراه، شکستن انحصار شبکه های اجتماعی و پیام رسان های خارجی (تلگرام، واتساپ و اینستاگرام)، اهتمام به نظرات متقدمان در حوزه های مختلف در جهت جلب و افزایش اعتماد عمومی، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به تحول کارکردی قدرت، و با توجه به داشتن برخی مؤلفه های سیاسی، دیپلماتیک، فرهنگی، مذهبی و تاریخی در کشورهای منطقه و در محیط راهبردی خویش، نیازمند بازتولید و تقویت مؤلفه های قدرت نرم خویش است و یکی از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام و کشورهای منطقه خاورمیانه، دیپلماسی عمومی است. شناخت شبکه های اجتماعی به عنوان ابزارهای نوین اعمال قدرت نرم، می تواند جمهوری

اسلامی را از حالت منفعلانه، به یک وضعیت فعال و اثرگذار در داخل مرزها و حتی در میان کشورهای اسلامی و جهان مبدل سازد، به گونه ای که نه تنها اقدامات نظام سلطه را خشی نماید، بلکه مرکز ثقل انسجام جهان اسلام و اتحاد آزادی طلبان دنیا قرار گیرد.

کتابنامه

- ابراهیم نژاد، محمد و اسکندری، حمید (۱۳۹۱). آشنایی با جنگ نرم - جنگ سایبر (۱)، تهران: انتشارات بوستان حمید.
- احمدی، حمید (۱۳۹۰). بنیان‌های هویت ملی ایرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اشتریان، امیرزاده و کیومرث، محمدرضا (۱۳۹۴). «بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر مشارکت سیاسی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۵، شماره ۲.
- افتخاری، اصغر و جانی پور، محمد (۱۳۹۲). «منابع قدرت جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال سوم، زمستان، شماره ۹، صص ۴۶-۲۳.
- آذریخش، سید علی محمد (۱۳۹۲). درآمدی بر نقش رسانه‌ها در جریان سازی، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- آشوری، داریوش (۱۳۷۳). دانش‌نامه سیاسی، تهران: مروارید، چاپ سوم.
- بل، دیوید (۱۳۸۹). درآمدی بر فرهنگ‌های سایبری، ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی، تهران: جامعه‌شناسان.
- بستم، نیل (۱۳۸۶). زندگی در عیش مردن در خوشی، صادق طباطبایی، تهران: اطلاعات، چاپ پنجم.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴). روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان، تهران: فرهنگ‌گفتمان.
- خاشعی، وحید (۱۳۸۸). «جنگ نرم، درآمدی بر سیاست‌های رسانه‌ای»، فصلنامه وسایل ارتباط جمعی (رسانه)، دوره ۲۰، شماره ۷۸، تابستان، صص ۱۲۷-۱۵۱.
- زیبا صفت، عنایت‌اله (۱۳۹۲). «نقش و تأثیر شبکه‌های اجتماعی» نظیر فیس‌بوک، واتس‌آپ، ماهواره بر فرهنگ مردم بوشهر»، فصلنامه دانش انتظامی بوشهر، زمستان، شماره ۱۵، صص ۶۸-۸۵.
- سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۰). «جنگ نرم و ملاحظه‌های دفاعی-امنیتی: هدف‌ها و راهکارها»، مجموعه مقالات جنگ نرم، عرصه دفاع ملی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- شاف، آدم (۱۳۶۹). جهان به کجا می‌رود، تهران: انتشارات آگاه، چاپ اول.
- شیلر، هربرت (۱۳۷۷). وسائل ارتباط جمعی و امپراتوری آمریکا، ترجمه احمد میرعابدینی، تهران: انتشارات سروش
- شیلر، هربرت (۱۳۹۰). ارتباطات و سلطه فرهنگی، ترجمه کاظم معتمدنژاد، رویاپور و کیل، شراره امیرخلیلی، تهران: نشر علم.
- شیلر، هربرت (۱۳۷۵). اطلاعات و اقتصاد بحران، ترجمه یونس شکرخواه، تهران: آفتاب.

عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۵). رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره ایران تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

عسگری، محسن (۱۳۹۰). «ابزارها و اهداف جنگ نرم»، مجموعه مقالات جنگ نرم، عرصه دفاع ملی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

عیوضی، محمدرحیم؛ دامیار، محمود و دامیار، ایوب (۱۳۹۵). «مبانی جنگ نرم در اندیشه مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی-تخصصی جبل‌المتین، بهار، دوره پنجم، شماره ۱۴، صص ۲۴-۴۵.

عیوضی، محمدرحیم؛ نوازی، علی و علی محمدی، فریبا (۱۳۹۵). «قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و جریان‌های سیاسی شیعه غرب آسیا»، دو فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، پاییز و زمستان، دوره ۴، شماره ۹، صص ۲۸-۱.

فلاطونی، فائزه (۱۳۹۴). «امپریالیسم فرهنگی با سلاحی به نام فضای مجازی»، فصلنامه فرهنگ پویا، پیاپی ۲۹، تابستان.

قربانی شیخ‌نشین، ارسلان؛ کرمی، کامران و عباس زاده، هادی (۱۳۹۰). «قدرت هوشمند؛ تحول نوین قدرت در عصر جهانی شدن»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۳، شماره ۴، زمستان، صص ۱۵۰-۱۲۵.

کاویانی، ارشاد (۱۳۹۸). «بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در جنگ نرم»، دومین کنفرانس ملی پدافند سایبری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.

گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی و قدرت نرم، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
لطیفی مهر، مژگان؛ میراسماعیلی، بی بی السادات و حسینی دانا، حمیدرضا (۱۳۹۳). «نقش و جایگاه شبکه‌های اجتماعی علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، پاییز، دوره نهم، شماره ۲۶.

محمدامینی، شقایق و خلعتبری، پیمان (۱۳۹۴). «بررسی شبکه اجتماعی اینستاگرام و کارکردهای آن اینستاگرام شبکه اجتماعی یا تجاری»، کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی.

نای، جوزف (۱۳۸۷). رهبری و قدرت هوشمند، ترجمه محمد رضا گلشن پژوه، تهران: بی نا.

نای، جوزف (۱۳۹۰). آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.

نائینی، علی محمد (۱۳۸۸). «معنا و مقام قدرت نرم در مطالعات امنیتی»، مجموعه مقالات فصلنامه عملیات روانی.

Anna Reynolds (2016), Social media as a tool of hybrid warfare prepared by the nato strategic communications-centre of excellence isbn978-9934-8582-6-0 –May

John, Pungete/s.j, From Barry Dunean et al. Media literacy resource guide, Ontario ministry of Education/ Toronto/ Canada, 1989.

Santos, E.E. Santos, E. Long Pan; Wilkinson, J.T. (2014). Infusing Social Networks with Culture, transactions on systems, man, and cybernetics: systems, vol. 44, no. 1, January 2014

The National Security Strategy of the United States of America, 2006

Zhou, Jing; Shin, Shung Jae; Brass, Daniel J. Choi, Jaepil; Zhang, Zhi-Xue. (2009). Social networks, personal values, and creativity: Evidence for curvilinear and interaction effects. Journal of Applied Psychology, Vol 94(6), Nov 2009, 1544-1552. doi: 10.1037/a0016285.